

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نگاهی به شکواییه‌ها در شعر شاملو

سمیه شرونی

دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرس مدعو دانشگاه خلیج فارس بوشهر

s.sharuni69@gmail.com

چکیده

شکوه و شکایت واکنش منفی انسان نسبت به نارضایتی‌های زندگی و شرایط ناخوشایند زیستی است که در شعر فارسی قدمتی دیرینه دارد و به عنوان یکی از مهم‌ترین مضامین ادب غنایی از دیرباز تاکنون در شعر فارسی بازتاب چشمگیری داشته است. آنچه در این پژوهش به آن پرداخته شده است شیوه متفاوت احمد شاملو از برجسته‌ترین شاعران معاصر در شکواییه‌سرایی است که همچون شکواییه‌های شاعران ادب کلاسیک نمی‌توان آنها را در دسته‌های مختلفی چون شکواییه‌هایی فردی و اجتماعی و یا دسته‌بندی‌های پنج‌گانه قرار داد و برخلاف شکواییه‌های کلاسیک دربردارنده مضامین تکراری و انعکاس افکار عمومی نیست. این پژوهش بر مبنای روش توصیفی و تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه:

ادبیات غنایی، شعر معاصر، شکواییه، احمد شاملو

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

درآمد

شکواییه، ناله‌های سوزناک یا فریاد اعتراض انسان‌ها نسبت به ناملایمتی‌های زمانه و واکنش منفی انسان نسبت به شرایط ناخوشایند زندگی است. شکواییه یکی از گونه‌های ادب غنایی است و به نظر می‌رسد یکی از قدیمی‌ترین گونه‌های ادبی بوده است، بنابراین آغاز پیدایش شکواییه‌ها به آفرینش بشر باز می‌گردد و از آن هنگام تاکنون در گسترهٔ پهناور ادبیات فارسی همواره نمود داشته است تا جایی که می‌توان شکواییه را یکی از پربسامدترین انواع ادبی دانست.

معادل عربی شکواییه بث الشکوی است. در فرهنگ دهخدا بث به معنای «اندوه سخت، اندوهی که به علت شدت نمی‌توان آن را نهان داشت. آشکار کردن راز و اندوه خویش یا فاش کردن خبری است و شکوی به معنی شکایت کردن و گله‌مندی و ناله و فغان و زاری است و بث الشکوی درد و دل و شکایت کردن از رخداد‌های رنج‌آور و دردناک زندگی است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۸) و هدف از شکایت در شعر تخفیف و تسکین دادن درد و رنج‌هایی که جان انسان شاکی را در خود احاطه کرده است. منشأ سرایش شکواییه‌ها، نارضایتی انسان‌هاست و علت این نارضایتی‌ها و در حقیقت نوع دغدغه‌های بشر در اعصار مختلف متفاوت بوده است. در روزگاران پیشین رقابت شدید شاعران مدیحه‌سرا در دربارها، زمینه‌ساز بروز حسادت بوده است و این موضوع حجم قابل توجهی از شکواییه‌های ادبیات منظوم کلاسیک را به خود اختصاص داده است. همچنین شکوه از بی‌وفایی معشوقانی که (به مژگان شکند قلب همه صف شکنان) و جور رقیب و فلک ناسازگار نیز از دیگر مضامین شاعران در قرون پیشین بوده است؛ حال آنکه در شکواییه‌های شعر معاصر نوع نگرش و نحوهٔ پرداختن به آن تفاوت اساسی کرده است. در شعر معاصر سخن از درد و رنج‌های انسان مفلوک و بی‌پناه و به بن بست رسیده است، انسانی که با (عربده‌های دیوانه‌وار در شبی تار و طولانی) دست و پا می‌زند و شاملو از آن شاعرانی است که گویی تمام رسالت خود را فریاد کشیدن این دردها و رنج‌ها و تلاش برای نجات انسان‌ها دانسته است. «شاملو شاد نیست و واژه‌های شاد و شادی کمتر در شعرش می‌نشینند. زبان او از تلخی روزگار مایه می‌گیرد و او نمی‌تواند با رنگ و لعاب زدن به چهره زمانه، انسان هم‌عصرش را فریب دهد. او از روزگار و زندگی انسان گرفتار است که سخن می‌گوید» (بنی‌اسد، ۱۳۸۳: ۱۰)

پیشینه پژوهش

درون مایه‌های سیاسی، مفاهیم اجتماعی، اسطوره، نماد و رمز، زبان و ساختار، زیبایی‌شناسی و ترکیبات بدیع و موسیقی از جمله عناوین پژوهشی هستند که درباره شعر شاملو شاعر توانای معاصر صورت گرفته است اما شکواییه به عنوان یکی از اصلی‌ترین مضامین شعر شاملو تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است و تنها به این مضمون در یکی از دفترهای شعری ایشان پرداخته شده

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

است. «شکواییه‌های شاملو در مجموعه شعر مرثیه‌های خاک» را محمد معین صفاری نگاشته است و گوشه‌ای از شکایت‌های احمد شاملو را در این مجموعه شعر بیان کرده است. این مقاله در سال ۱۴۰۰ در ششمین کنگره ملی فرهنگ و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است. در ادامه نیز به معرفی برخی از پژوهش‌های مرتبط با این موضوع خواهیم پرداخت: علی اصغر باباصفری و نوشین طالب زاده در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل شکواییه اجتماعی در شعر معاصر» (۱۳۹۲) به تحلیل شکواییه‌ها در اشعار ۱۵ تن از شاعران معاصر پرداخته‌اند و شکواییه‌های آنها را به ذیل پنج عنوان سیاسی، اجتماعی، فلسفی، عرفانی و شخصی تقسیم بندی کرده‌اند که سهم شاملو بسیار اندک بوده است. «بررسی شکواییات در ادبیات منظوم معاصر» (۱۳۹۲) عنوان پژوهش دیگری است که توسط لیلا خیاطان نگاشته شده است که او نیز به طبقه‌بندی پنج گانه شکواییه‌ها و ذکر نمونه از شاعران بسنده کرده است.

شکواییه در ادبیات معاصر

«شکواییات به اشعاری اطلاق می‌شود که شاعر در قبال ناملایمات و محرمیت‌های وارده بسراید و حکایت از رنج و اندوه، یأس، ناکامی، تیره‌روزی و بدبختی گوینده آن داشته باشد» (مؤتمن، ۱۳۴۶: ۲۸۸) شکواییه در حقیقت نوعی شعر اعتراض است و به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شود. در روزگار معاصر دغدغه‌ها و اندیشه‌های اعتراض گونه شاعران نسبت به پیشینیان تفاوت‌های اساسی دارد. اگر در شعر کلاسیک شکواییه و اعتراض شاعران به بی ارزش شدن شعر و شاعری در دربار است، شاعر معاصر هرگز به خود اجازه نمی‌دهد چنین جملاتی را به زبان بیاورد. درد و دغدغه شاعر معاصر و آنچه و او را به شکوه و ناله وا می‌دارد درد کج فهمی، درد ناآگاهی مردمان، و درد بی دردی است. امروزه بخش اعظمی از معادلات ذهنی انسان مدرن، سیاست، اقتصاد و زندگی این دنیایی است و دغدغه و درد انسان امروز بیشتر از آنکه بخواهد بهشت و جهنم و سرنوشت او در جهان آخرت و شکوه از مقدرات عهد ازل باشد، فعالیت‌های نوع بشر است و شکوه از اعمال غیر اخلاقی و غیر انسانی مردمان زمانه است. امروزه از این شکوه‌گران به عنوان «روشنفکران اجتماع» یاد می‌شود که در بسیاری از موارد نقش مهمی را در آگاهی مردم در امور سیاسی و اجتماعی جامعه ایفا کرده‌اند.

انواع دلایل و انواع درد و رنج در شعر شاعران معاصر بسته به جهان‌بینی آن‌ها متفاوت است اما آنچه که اهمیت دارد این است که این دردها و رنج‌های انسان معاصر توأم با معرفت است و برآمده از تعارض میان خواسته‌ها و شرایط مطلوب با واقعیت‌های موجود است. توجه به درد و رنج‌ها از ویژگی‌های بارز شاعر معاصر است. سروده‌های ژرف و بلند که نابسامانی‌ها و درهم ریختگی‌ها با فریادی رسا بیان می‌کند تا رسالت شاعران راستین را به جای آورد.

فضای سیاسی و اجتماعی روزگار شاملو

شاملو یک منتقد اجتماعی و به تعبیری یک شاعر متعهد است. شعر او در سایه برخوردی از یک نگرش پویا، متوجه موقعیت پریشان جامعه و وضعیت مردم رنج دیده است. سرودن در یک فضای خفقان و استفاده از رموزها و نمادها در پاره‌ای از موارد شکواییه‌های شاملو را در کلامش مخفی می‌کند. شاملو در بیشتر مواردی که به بیان بن مایه‌های اجتماعی در اشعارش می‌پردازد، گله و شکایت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

های خود را بیان می‌کند. «شاعر در تجربه‌های زیسته خود همواره تجربه‌کننده ناملایمتی‌ها و تلخ‌کامی‌های بسیاری در مراودات اجتماعی بوده است» (رحیمی، ۱۳۹۱: ۳۱) بنابراین، با دردهای مشترک خلق آشناست و از زبان مردم شکوه سر می‌دهد. «شاملو شاعری است منتقد و محتوای بسیاری از اشعار او را انتقاد از وضع موجود تشکیل می‌دهد، گاه اجتماعی و انسانی است و گاه سیاسی. شاعر چون شاخه‌ای که در سیاهی جنگل به سوی نور فریاد می‌کشد همواره بر ضد شب سرد و ساکت زمانه خویش صدا به عصیان بلند کرده و منتظر تابش نور آزادی و عدالت است» (حسین پور جافی، ۱۳۸۷: ۲۵۲).

عبدالعلی دستغیب منتقد آثار شاملو می‌نویسد: «شاملو ساخته روزگاری است که کودکی و جوانی‌اش را در آن گذراند، کالای مرزو بومی است که زیر آفتاب و در دامن خاکش، پرورش یافت و نماینده مردمی است که میان آنان خود را شناخت. نوجوانی دبیرستانی بود که آفتاب رنگ‌پریده مشروطیت سوم از افق دودگرفته و ابهام‌آمیز سر برآورد. کشاکش جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴-۱۳۱۹) زندگای مردم را در هم پیچید و به دبیرستان او قدم گذارد. سالهای بحرانی پیکار و پس از پیکار و از آن پست و بلندها در زندگی او نقش داشت و خط‌ها بر جا گذاشت» (دستغیب، ۱۳۵۴: ۱۲).

شاملو در برابر عشق ناکامش به آموختن موسیقی، کتاب را جایگزین آن می‌کند اما خاطره آن ناکامی و روزگار تلخ تنهایی کودکی‌اش باعث می‌شود که هرگز در ادامه تحصیل موفق نباشد و تحصیلات ابتدایی را تمام نکرده پا به مدرسه اجتماع می‌گذارد. شاملو از سوم دبیرستان در فعالیت‌های سیاسی در شمال کشور شرکت می‌کند و همان سال ۱۳۲۳ به زندان شوروی‌ها در رشت منتقل می‌شود. بعدها نیز فعالیت سیاسی‌اش را کم و بیش ادامه می‌دهد. او از سال ۱۳۳۳ به مدت ۱۳ تا ۱۴ ماه در زندان قصر زندانی می‌شود.

شعر شاملو از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۶ در جو مبارزه‌های اجتماعی سیر می‌کند و شاعر عصیان بزرگ دوره خویش را می‌نویسد. او در بهار ۴۵ درباره این روزها و از سر آزدگی می‌نویسد: «...بهترین روزهای عمرم را بر سر هیچ و پوچ یا در گوشه‌های زندان گذرانیده‌ام یا در پیشگاه عدالتی که در یک دست شمشیری دارد و به دست دیگر ترازویی. اما در ترازو تنها اتهام تو را در برابر زری که می‌توانی به سفلی سنگین و سبک می‌کنند... و این زندان‌ها و زندان‌ها، پاره‌ای مزد قلب من بوده است یا بهتر، کفاره عشق من و صداقت من. کفاره زندگانی با کسانی که دوستشان داشته‌ام، خاطرات مشترکی داشته‌ایم و بسیاری از اشعار من به نام آنهاست. مردمی که یک زمان «خوف‌انگیزترین عشق من» بوده‌اند...» (دستغیب، ۱۳۵۴: ۸۳) شاملو در ۱۳۲۳ در زندان متفقین بوده است. قصیده آغازین کتاب «شکفتن در مه» را به صورت شکواییه‌ای خطاب به پدرش می‌نویسد که در کسوت نظامی این همه ظلم و بی‌عدالتی را می‌بیند و به جای آنکه به مبارزان بپیوندد و در کنار پسرش باشد، از او خواسته که توبه نامه بنویسد تا از زندان آزاد شود:

مرا تو درس فرومایه بودن آموزی

که توبه نامه نویسم به کام دشمن بر؟

نجات تن را زنجیر روح خویش کنم

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ز راستی بنشانم فریب را برتر (شکفتن در مه، ص ۳۰).

شاملو شعرهایش را با عمیق کردن و آمیختن با روح جامعه و مبارزه علیه ظلم و ستم و بخصوص در شرایط نومید کننده و یاس بار پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ در خدمت مبارزه برای آزادی بشر و دفاع از آرمان‌های بشری قرار می‌دهد تا آنجا که مبارزه اجتماعی علیه ظلم و ستم و بی عدالتی وجه مشخصه اشعار شاملوست. شاملو علیرغم شرایط نومید کننده پیرامونش توانست به تدریج و طی تامل دراز صدای مقاومت و عصیان نسل خود باشد و هم زمان و هم سو با جوان‌ها، حماسه انسان مقاوم و مبارز عصر خود را بسراید (مجبایی، ۱۳۸۱: ۱۶۶) تولد در خانواده‌ای نظامی، خفقان و استبداد دوران شاهنشاهی، مشاهده نابرابری‌ها، به زندان افتادن‌های پی در پی و مشاهده اعدام مبارزان راه آزادی زمینه ساز شکواییه‌های شاملو بوده‌اند. در حقیقت «شعر شاملو شعر فاجعه است، تاریخ توالی فاجعه‌ها و فاجعه‌ای از پس فاجعه‌ای دیگر.» (بنی‌اسد، ۱۳۸۳: ۱۱).

شکواییه‌های شاملو، شکواییه‌هایی متفاوت

در مفهوم کلی شعر شاملو متوجه و متمایل به موقعیت پریشان جامعه و اوضاع مردم رنج‌دیده است و شعر او یک شعر متعهد و اجتماعی است؛ بنابراین شکواییه‌های شاملو نیز اجتماعی است و این در حالی است که شکواییه بسامد قابل توجهی را در شعر او به خود اختصاص داده است.

شکواییه‌ها را از نظر محتوایی به دسته‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به تقسیم‌بندی پنج دسته‌ای اشاره کرد: «فلسفی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی و شخصی» (سرامی، ۱۳۸۹: ۴۹۲).

برای تحلیل شکواییه‌های شاملو نیازی به دسته‌بندی کلیشه‌ای-آن گونه که درباره شکواییه‌های دیگر شاعران انجام شده است، نیست- چرا که او خود به شکل تازه‌تری شکواییه و اعتراض را در متن و محتوای شعرش جاری ساخته است؛ و نه مثل شاعران کلاسیک، از روی سنت یا در لحظه‌های ناکامی و شکست به شکواییه‌ها روی آورده است بلکه او همه رسالت خود را در سرودن از دردها انسان معاصر دانسته است.

شاملو شاعر دردهای مشترک است گویا از عوامل دادن عنوان شاعر ملی به او، مقبولیت عام بودن اوست؛ و علت این مقبولیت نیز شکوه‌ها و دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی اوست (موحد، ۱۳۷۹: ۶۲). شاملو لب و او می‌کند تا شکواییه بنویسد و گویی تمام شعر او چیزی جز این نیست؛ چه آن هنگام که عاشقانه می‌نویسد: شوکران عشق تو که در جام قلب خود نوشیده‌ام خواهدم کشت و یا آنجا که از ابلیس پیروز مستی شکایت می‌کند که سور عزای مارا بر سفره نشسته است. در هم آمیختگی انواع شکایت‌ها و عدم مرز بین آنها از ویژگی منحصر به فرد شکواییه‌های شاملوست که با استفاده از تکنیک تلفیق و در هم آمیختگی مضمون‌ها آن را بیان کرده است. وقتی که به شکواییه‌های شخصی می‌پردازد آن را با شکواییه‌های فلسفی در می‌آمیزد و یا در سایر مضمون‌ها نیز امر صدق می‌کند. شاملو حتی وقتی عاشقانه می‌سراید در بسیاری از موارد عاشقانه‌های قراردادی رایج میان عاشق و معشوق‌های ادب پارسی نیست بلکه از نوع عاشقانه‌های اجتماعی و عشق والا و مقدس انسان به انسان است و در محیط اجتماعی است که معنای بیشتری

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پیدا می‌کند. درباره‌ی در هم آمیختگی موضوعی و مضمونی شکواییه‌های شاملو مثال‌های بسیاری را می‌توان ذکر کرد. شکواییه‌های شاملو، اندوه و مرثیه‌های اوست برای انسان معاصر، حتی زمانی که از خود سخن می‌گوید.

از جنگل‌های سوخته از خرمن‌های باران خورده سخن می‌گویم

من از دهکده‌ی تقدیر خویش سخن می‌گویم (شاملو، بی‌تا: ۲۳۰)

مثل این است، در این خانه‌ی تار

هر چه با من سر کین است و عناد:

از کلاغی که بخواند بر بام

تا چراغی که بلرزاند باد (شاملو، بی‌تا: ۳۵۵)

شاملو شاعری است که با اجتماع حرکت می‌کند و از دردهای نهفته‌ی مردم سخن می‌گوید (دستغیب، ۱۳۷۳: ۳۱)، او به گفته‌ی خود تجربه‌ی دست و پا زدن در لجنزار فقر را داشته است. «اگر امکانات مادی خانواده‌ای که در لجنزار فقر و نیاز دست و پا می‌زد نبود، اجازه می‌داد که تعلیم بیانو بگیرم، شک نبود که دنبال موسیقی می‌رفتم (همان: ۱۰)

ای دریغ ای دریغ / که فقر / چه به آسانی احتضار فضیلت است / به هنگامی تو را از بودن و ماندن گریز نیست / ماندن / اری / و اندوه خویش را / شام گاهان / به چاره سازی متروک / در سپردن (شاملو، ۱۳۸۲: ۶۳۳)

و یا آنجا که غم نان فرصت‌های دوست داشتن و قصه گفتن‌ها و سرودن‌ها را از انسان‌ها گرفته است.

از دست‌های گرم تو / کودکان توامان آغوش خویش / سخن‌ها می‌توانم گفت / غم نان اگر بگذارد (همان: ۶۲۸).

صبح پاییزی / در رسیده بود / با بوی گرسنگی / در رهگذرها و محله‌ای کوچک / در دست‌ها / با جلد طلا کوبش (همان: ۶۲۷)

شکواییه‌های ذکر شده را نمی‌توان با عنوان‌هایی چون شکوه‌های شخصی، شکوه‌های عاشقانه یا شکوه از فقر و ناداری محدود کرد و در دسته خاصی مورد بررسی قرار داد چون شاعر در همان حال که از زندگی و شرایط زیستی خود سخن می‌گوید، از درد مردم زمانه نیز سخن می‌گوید.

نکته مهم و قابل پرداخت این است که شکواییه‌های شاملو با هر مضمونی در حقیقت شکوه از احوال آدمی است. به عنوان مثال شکواییه‌های مذهبی او شکوه از خدایان برای بی‌توجهی به اندوه انسان‌ها و عدم نجات آنهاست. منظور از شکوه‌های مذهبی فریاد اعتراض شاملو علیه نیروهای فوق بشری که انسان را نجات نمی‌دهند و بی‌اعتقادی نسبت به آنهاست. در حقیقت «خدای شاملو

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عشق به انسان است به گونه‌ای که در دفتر باغ آینه و آیدا در آینه معشوق بر جایگاه خدا تکیه می‌زند و شاعر با انسان در ابدیتی پرستاره گام می‌زند، با ابدیت آشنایی دارد.» (دستغیب، ۱۳۵۴: ۱۴۶)

دیگر جا نیست / قلبات پر از اندوه است / خدایان همه آسمان‌های ات / بر خاک افتاده‌اند... (شاملو، بی تا: ۲۳۵)

می‌نویسم / برای آن‌ها که بر خاک سرد / امیدوارند / و برای آنان که دیگر به آسمان / امید ندارند (همان: ۲۶۵)

من همه خدایان را لعنت کرده ام / همچنان که مرا / خدایان... (شاملو، بی تا: ۴۲۹)

عیسا بر صلیبی بی‌هوده مرده است

حنجره‌های تهی، سرودی دیگرگونه می‌خوانند گویی خداوند بیمار / در گذشته است (شاملو، بی تا: ۴۴۶)

برخی دیگر از شکواییه‌ها را که شاید بتوان در دسته شکواییه سیاسی قرار داد، گرامیداشت یاد دوستان مبارز شاعر و شکوه از اندوه و غم از دست دادن آنهاست. وقایع تلخ سیاسی یکی پس از دیگری روی می‌دهند و «یاد مبارزات سرکوب شده و درخون تپیده و یاران چون اختران سوخته، در ذهن شاعر زنده است» (منصوری، ۱۳۹۴: ۱۱۰) و شاملو بر اساس تعهد خود نسبت به جامعه به سخن گفتن از قهرمانان مبارز و شکوه از سرنوشت غم‌انگیز آنها می‌پردازد.

سال پست / سال درد / سال عزا / سال اشک پوری / سال خون مرتضا / سال کبیسه... (شاملو، بی تا: ۲۱۰)

خداوندان درد من من، آه خداوندان درد من

خون شما بر دیوار کهنه تبریز شتک زد

درختان تناور دره سبز / بر خاک افتاد / سرداران بزرگ / بر دارها رقصیدند (شاملو، بی تا: ۲۵۹)

شاملو و مضامین اجتماعی

شعر شاملو شعر اجتماعی است و فردیت در آن معنایی ندارد. شکواییه‌های شاملو از نوع شکواییه‌های اجتماعی است که بیشتر از همه در «هوای تازه» منعکس شده است. عبدالعلی دستغیب در نقدی بر آثار شاملو می‌نویسد: «شاملو، شهری دشمن کیش را وصف می‌کند که تنهایی و زمهریر زمستانی بر آن حکومت می‌کند. شهری که «زمستان» سردش را اخوان به دفتر تاریخ شعر سپرده است و فروغ فرخزاد در «آیه‌های زمینی» ایمان از دست رفته مردمانش را و سیاوش کسرای در «آرش کمارگیر»، هراس و دربند بودن

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دلورانش را نشان داده‌اند» (دستغیب، ۱۳۵۴: ۱۰۰). شاملو از نابسامانی‌های اجتماعی می‌نالد حال آنکه این ناهنجاری‌ها انواعی دارد و می‌تواند شکواییه از بی‌مهری و سردی و یاس انسان‌ها باشد تا شکواییه از فقر و نابرابری‌های اقتصادی.

و عشق سو تفاهمی است / که با متأسف گفتنی فراموش می‌شود / عصری که فرصتی شورانگیز است / تماشای محکومی که بر دار می‌کنند / عصر کثیف‌ترین دندان‌ها در خنده‌ای / و متاصل‌ترین ناله در نومی‌دی (شاملو، ۱۳۸۲: ۵۱۷)

شاملو خود گویی تمام مضامین شعرش را اجتماعی می‌نامیده است و شعر عاشقانه در عقیده او اجتماعی‌ترین نوع شعر است. او حتی نسبت به عاشقانه‌هایی که برای آیدا نوشته است می‌گوید: «آیدا برای من یک انسان نمونه است. وجود او برای من دستاویز بسیاری شعر بود که به نام او یا به انگیزه او نوشتم. هیچ کدام از اینها شعر عاشقانه صرف نیست. بیشترشان اتفاقاً بیش از آنکه عاشقانه باشند، شعر اجتماعی هستند» (پاشایی، ۱۳۸۲: ۱۰۲۲)

توجه به انسان و دردها و رنج‌های او که یکی از اصلی‌ترین مضامین شعر معاصر است و از اصلی‌ترین ویژگی‌های شعر شاملو محسوب می‌شود و در هیچ یک از اشعار او نیست که مستقیم یا غیر مستقیم به این مضمون نپرداخته باشد و می‌توان انگیزه و هدف شاملو از سرودن را توجه به مساله انسان و گله و شکایت از ناآگاهی‌های او دانست.

این طرف، در افق شکسته خونین، انسان من ایستاده است

او را می‌بینم، او را می‌شناسم، روح نیمه‌اش در انتظار نیم دیگر خود درد می‌کشد (شاملو، ۱۳۴۶: ۱۱۴)

و سرودن از دردهای همین انسان بود که خود شاملو را یکپارچه درد کرد و شعر او فریاد انسان معاصر شد. نکته دیگر این است که شاملو در عین آنکه از درد بشر شکوه سر می‌دهد، از نامردمی‌ها و بی‌مهری‌ها و بی‌وفایی‌ها نیز شکوه می‌کند:

مرگ من سفری نیست، هجرتی است / از سرزمینی که دوست نمی‌داشتم / بخاطر نامردمانش / خود آیا از چه هنگام این چنین / آیین مردمی / از دست بنهاده‌اید (شاملو، ۱۳۷۳: ۱۷۶)

دیگر جا نیست / قلبت پر از اندوه است / آسمان‌های تو آبی رنگی را از دست داده است...

می‌ترسی - به تو بگویم - تو از زندگی می‌ترسی

از مرگ بیش از زندگی، از عشق بیش از هردو می‌ترسی

این است انسانی که از خود ساخته‌ای (شاملو، ۱۳۴۶: ۶۶)

سخن من از درد ایشان بود / خود از دردی بود که ایشانند / اینان درد اند و بود خود را / نیازمند جراحات به چرک اندر نشسته - اند (شاملو، ۱۳۴۶: ۲۰۷)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بیابان را سراسر مه گرفته است/ چراغ قریه پنهان است/ موجی گرم در خون بیابان است/ بیابان، خسته/ لب بسته/ نفس بشکسته/ در هذیان گرم مه، عرق می‌ریزدش آهسته از هر بند(همان: ۱۱۴).

نتیجه‌گیری:

برای تحلیل شکواییه‌های شاملو نیازی به دسته‌بندی کلیشه‌ای -آن گونه که درباره شکواییه‌های دیگر شاعران انجام شده است، نیست- چرا که او خود به شکل تازه‌تری شکواییه و اعتراض را در متن و محتوای شعرش جاری ساخته است؛ و نه مثل شاعران کلاسیک، از روی سنت یا در لحظه‌های ناکامی و شکست به شکواییه‌ها روی آورده است بلکه او همهٔ رسالت خود را در سرودن از دردها انسان معاصر دانسته است. شاملو لب و او می‌کند تا شکواییه بنویسد و گویی تمام شعر او چیزی جز این نیست، آن‌هنگام که به سرودن عاشقانه می‌پردازد و یا آنگاه که از خود و زمانه‌اش می‌سراید، در حقیقت شکوه‌سرایی از دردهای بشر است. نکته مهم درباره شکواییه‌های شاملو درهم‌آمیختگی آنهاست. از نکات مهم و قابل توجه این است که شکواییه‌های شاملو با هر مضمونی در حقیقت شکوه از احوال آدمی است و حتی شکواییه‌های مذهبی او شکوه از خدایان برای بی‌توجهی به اندوه انسان‌ها و عدم نجات آنهاست. شاملو در عین آنکه از درد بشر شکوه سر می‌دهد، از نامردمی‌ها و بی‌مهری‌ها و بی‌وفایی‌ها نیز شکوه می‌کند و در مجموعه شکواییه‌های شاملو تماماً اجتماعی است.

منابع و مأخذ

- بنی‌اسدی، رحمت(۱۳۸۳). توالی فاجعه: زمینه اجتماعی شعر احمد شاملو، شیراز: انتشارات راهگشا.
- باباصفری، علی و طالب‌زاده، نوشین(۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل شکواییه اجتماعی در شعر معاصر»، ادبیات پارسی معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول، صص ۵۳-۳۱.
- حسین‌پور جافی، علی(۱۳۸۷). جریان‌های شعر معاصر فارسی از کودتای ۱۳۳۲ تا انقلاب ۱۳۵۷، تهران: امیرکبیر.
- دستغیب، عبدالعلی(۱۳۵۴). نقد آثار احمد شاملو، چاپ دوم، تهران: چاپار.
- رحیمی، هادی(۱۳۹۱). سپیده‌دمان: زندگی، اندیشه و گزیده اشعار احمد شاملو، تهران: نوید صبح.
- دهخدا، علی‌اکبر(۱۳۷۷). لغت نامه، چاپ دوم، تهران: روزنه.
- سلطانی فرگی، مرتضی(۱۳۸۸). بررسی شعر اعتراض در ادبیات معاصر پارسی از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم سبزواری، به راهنمایی ابوالقاسم رحیمی.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شاملو، احمد(بی تا). مجموعه اشعار شانزده دفتر ۱۳۷۸-۱۳۲۳، به همت امیر پرویز پویان، شرف کیهان و کیوان، کتابخانه مجازی امید ایران.

ع. پاشایی(۱۳۷۸). نام همه شعرهای تو: زندگی و شعر احمد شاملو، تهران: ثالث.

مختاری، محمد(۱۳۷۹). انسان در شعر معاصر، چاپ دوم، تهران: توس.

محمدی چلیچه، احمد(۱۳۹۰). انسان در اندیشه احمد شاملو، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، به راهنمایی دکتر سیروس شمیسا.

مؤمن، زین العابدین(۱۳۴۶). شعر و ادب فارسی، تهران: بنگاه مطبوعات افشاری.

مجابی، جواد(۱۳۸۱). شناخت نامه احمد شاملو، چاپ سوم، تهران: قطره.

منصوری، مولود(۱۳۹۴). بررسی و تحلیل بن‌مایه‌های اجتماعی در شعر احمد شاملو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری اردکان، به راهنمایی مجید پویان.